



یادداشت

کسانی که بچه‌ها را می‌کشند، خارجی نیستند، مزدوران تو هستند!

صادق کار



با جنایات فاشیستی و انکار آنها و دروغ‌گویی و ایجاد رعب و ترس و متهم کردن مردم آزادیخواه و فقر زده به وابستگی به بیگانگان و اتهامات مشابه خامنه‌ای نمی‌تواند رژیم استبدادی، فاسد و ناکارآمد خود را حفظ کند. مردم طعم همه این موارد را قبلاً چشیده و اکنون آنها را به ریشخند می‌گیرند. پدری که بچه‌های خودش را با چنین بیرحمی و خشونت تنبیه می‌کند نبودش صد به از بودن اش. به خامنه‌ای باید گفت، کسانی که کودکان را به گلوله می‌بندد، خارجی نیستند، مزدوران خود تو هستند. مگر خارجی چه جنایتی می‌تواند بکند که تو با مردم خودت نکرده‌ای و نمی‌کنی؟

علی خامنه‌ای رهبر حکومت و فرمانده اصلی جنایتکارانی که همه روز مشغول کشتار مردم معترض و انقلابی خصوصاً کودکان و زنان هستند، در هفتمین هفته تداوم جنبش انقلابی آزادیخواهانه مردم که بر کناری وی و رژیم او را آماج اعتراضات خود قرار داده‌اند، بار دیگر به بهانه ملاقات با تعدادی از دانش‌آموزان که عوامل حکومتی آنان را برای دیدار با وی به مقر سرکرده استبداد آورده بودند با کلمات سخیفی که مختص خود اوست بر مخالفین خود تاخت و آنها را متهم به وابستگی به دشمنان نمود.

خامنه‌ای در بخشی از سخنرانی خود، خطاب به دانش‌آموزان گزینه شده گفت: "اینها بچه‌های خودمان هستند و ما با اینها بحثی نداریم چون به دلیل برخی هیجان‌ها و احساسات و برخی بی‌دقتی‌ها در مسائل وارد میدان شدند، اما مهم صحنه‌گردانان اصلی هستند که با نقشه و برنامه وارد شدند". او اما نگفت اگر با "بچه‌های خودمان" کاری ندار چرا ۴۰ نفر آنها را مامورانش به قتل رسانده و او آنها را از این کار باز نداشته است؟

در همان حال که رهبر ۸۳ ساله حکومت مشغول دوختن آسمان و زمین بهم برای توجیه جنایات خود از آن میان قتل فجیع ده‌ها کودک توسط گلوله‌های جنگی مزدوران آتش به اختیار خود بود، اعتراضات در مناطق



وسیعی از کشور با شعارهای چون خامنه‌ای قاتله، حکومت اش باطله، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتوری... در حال انجام بود و مزدوران او قادر به پایان دادن به اعتراضات نبودند.

سخنان تازه خامنه‌ای و ادعای کاذب او مبنی بر پایان یافتن "اغتشاشها" همانطور که مورد انتظار بود شعله خشم مردم از رژیم و رهبر خودکامه و دروغگو آن را شعله ورتر کرد و به موج اعتراضات در روزهای بعد که مصادف با چهلمین روز به قتل رسیدن تعداد دیگری از معترضین و دانش آموزان و دانشجویان بود به قدری دامن زد که سرکردگان رژیم انتظارش را نداشتند. در تظاهرات بعد از سخنرانی آخر خامنه‌ای تعداد دیگری از تظاهر کنندگان و کسانی که خامنه‌ای آنها را "بچه‌های خودمان هستند..." خوانده بود توسط مزدوران او به طرز وحشیانه‌ای با بیرحمی و خشونت که فقط می‌شود از رژیم‌های فاشیستی انتظار آن را داشت به قتل رسیدند.

از میان به قتل رسیده‌های روز بعد از سخنرانی خامنه‌ای به قتل جوانی می‌توان استناد کرد که در منطقه فقیر نشین و محروم نازی آباد انجام گرفت. یکی گروه چند نفره از مزدوران لباس شخصی رژیم در مقابل دوربین‌ها یک جوان تظاهر کننده را زیر مشیت و لگد و باتون ابتدا له و لورده کردند، سپس با زدن تیر خلاص یکی از "بچه‌های خودمان" رهبر را به قتل رسانند.

قتل این جوان مبارز که عملی غیر از شرکت در یک تظاهرات مسالمت آمیز انجام نداده بود آنقدر فجیع و تنفر انگیز بود که در سراسر کشور و خارج از آن با انزجار گسترده‌ای روبرو و انبار باروت در شرف انفجار دیگری را بوجود آورد. حتم داشته باشیم که خامنه‌ای نیز صحنه این جنایت هولناک عزیز دردانه‌های خود را دیده و بعید نیست در دل به آنها آفرین گفته و پاداشی هم برایشان در نظر گرفته باشد.

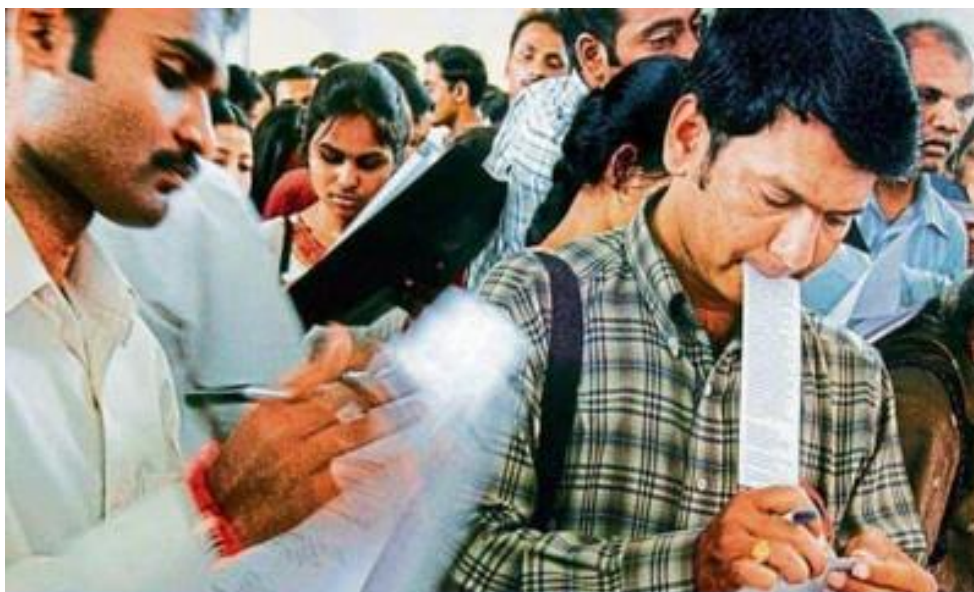
رهبر ابله و پلید و بد طینت باندهای جنایتکار حکومتی یا آنقدر فهم و شعور ندارد که بفهمد با سخنرانی‌های تکراری و خشم آور مردم بیشتری را علیه خود تشویق و بسیج می‌کند، یا چنان از شعارهای قیام کنندگان علیه خود به خشم آمده که با تشویق مزدوران خود دارد از مردم انتقام می‌گیرد. او اگر می‌خواهد از خشم و نفرت مردم از خود و رژیم اش بیشتر بداند، لازم نیست به شبکه‌های خبر رسانی که همه آنها را دشمن می‌داند، نگاه کند. کافی است یکی دوشب پای صحبت‌های وابستگان پیشین رژیم که تا ۵۰ روز پیش از او حمایت می‌کردند در یکی از اتاقهای مجازی امنیتی بنشیند، تا بداند تا چه حد منفور و منزوی شده است. بله با جنایات فاشیستی و انکار آنها و دروغگویی و ایجاد رعب و ترس و متهم کردن مردم آزادیخواه و فقر زده به وابستگی به بیگانگان و اتهامات مشابه خامنه‌ای نمی‌تواند رژیم استبدادی، فاسد و ناکارآمد خود را حفظ کند. مردم طعم همه این موارد را قبلاً چشیده و اکنون آنها را به ریشخند می‌گیرند. پدری که بچه‌های خودش را با چنین بیرحمی و خشونت تنبیه می‌کند نبودش صد به از بودن اش. به خامنه‌ای باید گفت، کسانی که کودکان را به گلوله می‌بندد، خارجی نیستند، مزدوران خود تو هستند. مگر خارجی چه جنایتی می‌تواند بکند که تو با مردم خودت نکرده‌ای و نمی‌کنی؟

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و سرکوب معترضان بهره بگیریم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش هفدهم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
استورجس، هیو



در ماه می ۲۰۲۰ در اثر همه گیری کووید-۱۹، بیکاری در هند به

در اینجا باید مجدداً بر این نکته مکت کنیم که تضمین اشتغال موجب تغییری اساسی در منطق استخدام می شود، یعنی به طور خلاصه، آن را معکوس می کند. یک کارگر، در نبود برنامه ای برای تضمین اشتغال، برای پاسخگویی به تقاضای نیروی کار یک شرکت، نه الزاماً خصوصی، استخدام می شود. در برنامه "تضمین اشتغال"، کارفرمای احتمالی (دولت) خود را در موقعیتی می بیند که باید شغلی ایجاد کند تا تقاضای کارگر برای اشتغال را برآورده کند. این کیفیت به طور محسوسی دینامیسم روابط استخدامی را تغییر می دهد. بدون تهدید بیکاری، کارگر ممکن است تمایل کمتری به ترک شغل کنونی اش داشته و در پی "تطابق شغلی" بهتر باشد و در نتیجه موجب ارتقاء بهره وری نیروی کار گردد.

اثرات "تضمین اشتغال" بر اقتصاد کلان - ۳ مزایای مشاغل یک برنامه "تضمین اشتغال" - ادامه

واقعیت پیشگفته اشکال برخورد با کار به عنوان یک کالای کاملاً انعطاف پذیر را نشان می دهد. برخی از طرفداران "تضمین اشتغال"، به ویژه میتچل و مویسکن، این برنامه را با برنامه های "سهم ذخیره" در بخش کشاورزی مقایسه می کنند، برنامه های اخیر را نوعی "اشتغال کامل" برای تولید یک کالای خاص توصیف می کنند. اما اگر وضع این یا آن محصول کشاورزی، مثلاً پشم یا گندم، را در یک برنامه سهم ذخیره کشاورزی با کارگران "تضمین اشتغال" مقایسه کنیم، ایراد این توصیف آشکار می شود. مثلاً پشم در یک



پشم فروشی، بر اساس اهدافی که برای آنها تولید شده، "بیکار" محسوب می شود. اما در مقابل، کارگران تحت پوشش "تضمین اشتغال" به کار گمارده می شوند و مسئولیتهایی را در خدمت به جامعه به عهده می گیرند. معادلی برای پشم فروشی مورد نظر با "تضمین اشتغال" این است که دولت با پشمهای "بیکار" ژاکت ببافد و آنها را به بیخانمانها بدهد، و اگر چندی بعد تقاضا برای پشم افزایش یافت، ژاکتها را پس بگیرد و دوباره به پشم تبدیل کند. غرض این است روشن شود که به ناچار درجه ای از "چسبندگی" در مشاغل "تضمین اشتغال" وجود خواهد داشت و این کیفیت از توانایی "تضمین اشتغال" برای ایجاد اشتغال کامل می کاهد. طنز ماجرا این است که طرفدارانی مانند میتچل و ورای (۲۰۰۵) مزایای اجتماعی اشتغال خصوصی با دستمزد پایین را تحقیر کرده اند - کاری که در حق مشاغل مشابه در برنامه "تضمین اشتغال" نکرده اند. و این دقیقاً ارزش پایین بسیاری از کارها در بخش خصوصی است که باعث می شود مشاغل "تضمین اشتغال"، حتی با دستمزد کمتر، جذابتر به نظر آید.

در اینجا باید مجدداً بر این نکته مکت کنیم که تضمین اشتغال موجب تغییری اساسی در منطق استخدام می شود، یعنی به طور خلاصه، آن را معکوس می کند. یک کارگر، در نبود برنامه ای برای تضمین اشتغال، برای پاسخگویی به تقاضای نیروی کار یک شرکت، نه الزاماً خصوصی، استخدام می شود. در برنامه "تضمین اشتغال"، کارفرمای احتمالی (دولت) خود را در موقعیتی می بیند که باید شغلی ایجاد کند تا تقاضای کارگر برای اشتغال را برآورده کند. این کیفیت به طور محسوسی دینامیسم روابط استخدامی را تغییر می دهد. بدون تهدید بیکاری، کارگر ممکن است تمایل کمتری به ترک شغل کنونی اش داشته و در پی "تطابق شغلی" بهتر باشد و در نتیجه موجب ارتقاء بهره وری نیروی کار گردد. جذابیت مزایای مشاغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" و تحرک شغلی که در اثر یک برنامه "تضمین اشتغال" ایجاد می شود، کارفرمایان بخش خصوصی را تحت فشار قرار می دهند تا دستمزدهای بالاتر، شرایط و امنیت شغلی بهتری را تأمین کنند. در صورت تناسب معینی بین دستمزد و حق بیمه های مختلف، حتی یک شغل با کمترین دستمزد و کمترین خوشایندی در اقتصاد خصوصی ممکن است نسبت به یک شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" جذابتر باشد، و روشن است که هر چه حق بیمه های آن بیشتر باشد، تأثیرش بر سطوح اشتغال بیشتر است. مثلاً اگر حداقل دستمزد مورد نیاز برای کشاندن کارگران از بخش "تضمین اشتغال" به بخش خصوصی ۵۰ درصد بیشتر از حداقل دستمزد جاری باشد، یعنی همان دستمزد "تضمین اشتغال"، آن گاه باید انتظار کاهش سهم بخش خصوصی کم سرمایه (مانند خرده فروشی، مسافرخانه داری و غیره) از مشاغل با دستمزدهای پایین را داشته باشیم. این که آیا این کیفیت منجر به افزایش دائمی سهام ذخیره "تضمین اشتغال" می شود یا نه، بستگی به نحوه واکنش کل اقتصاد دارد.

علاوه بر تناسب بین دستمزد و حق بیمه، شرکت های با دستمزد پایین می توانند با حذف بسیاری از مواردی که جستجوی شغل خصوصی را سنگین یا حتی تحقیرکننده می کنند - مانند درخواست ارائه رزومه، کار بدون دستمزد به عنوان آشنائی با شرکت، چالپوسی از کارفرما یا ارائه خدمات خصوصی به او - کارگران را جذب کنند. شرکتها می توانند به جای بررسی مفصل پرونده متقاضیان کار، با پیش گرفتن مشی "اولین کسی که وارد می شود، اولین کسی است که استخدام می شود" با جذابیت نسبی مشاغل "تضمین اشتغال" مقابله کنند. این احتمال هست که کاستن از هزینه های کارگر برای یافتن یک شغل جدید، تا حدی مطالبات دستمزدی او را تخفیف دهد. البته این را نیز باید گفت که چنین روشهایی از میزان تطابق شغلی و تولیدوری کار خواهند کاست.

با این وجود، برخی و شاید بسیاری از کارگران همچنان جریان بسیار سهلتر برای گرفتن یک شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" را ترجیح خواهند داد. این جریان مبتنی است بر مشی الزامی "هر کس که وارد شود، استخدام می شود"، و بنابراین نمی تواند حتی بر اساس مهارت کارگر یا در دسترس بودن او دست به تبعیض بزند (مشی ای که برای هیچ شرکت دیگری میسر نیست). انعطاف پذیری منحصر به فرد "تضمین اشتغال" ممکن است چنان جذاب باشد که کارگران، به ویژه آنهایی که به دنبال کار کوتاه مدت یا موقت اند، به جای امتحان شانس خود در اقتصاد معمولی، "تضمین اشتغال" را انتخاب کنند. در چنین شرایطی "تضمین اشتغال" نه آخرین کارفرما بلکه به اولین کارفرما تبدیل می شود. برای بسیاری از



کارگران، "تضمین اشتغال" به عنوان یک گزینه دائمی نیز جذاب خواهد بود. عطف به تحقیقات ریچارد سنت ، جامعه شناس کار امریکائی، از سال 1998 به بعد محققان اذعان کرده اند که بسیاری (Richard Sennett) از کارگران امنیت شغلی را به دستمزد بیشتر ترجیح می دهند. یک شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" موقعیتی تضمین شده و دائمی است، با مسئولیت کم برای خدمت به جامعه. و این برای برخی از کارگران ناراضی از بخش خصوصی یا ناآماده برای تحرک شغلی، یک موقعیت خوشایند خواهد بود. شاید مسئله ای نباشد اگر تعداد کارگران مشمول این توصیف کم باشد. اما اگر این تعداد زیاد باشد، آن گاه هزینه طرح و اثرات (منفی) آن بر بقیه اقتصاد به طور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل * :گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد: یک امکان همگانی " برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی.
2. دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی که " چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!

مکثی بر روند محکومیت پنج فعال سندیکایی در بیدادگاه های رژیم.

صادق



آزادی فوری و بدون قید و شرط همه معلمان و کارگران و کلیه زندانیان سیاسی باید در دستور کار جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی قرار بگیرد و فشار به رژیم آن قدر افزایش پیدا کند که مقاومت رژیم را درهم بشکند و مجبور شود زندانیان سیاسی را آزاد کند.

!زندانی سیاسی، فعال سندیکایی آزاد باید گردند

بیدادگاه های رژیم به رغم اینکه پروژه های سناریوسازی های نهادهای امنیتی برای اثبات اتهام جاسوسی به تعدادی از شناخته شده ترین رهبران سندیکایی مفتضح شد و نتوانستند سندی دال بر اثبات اتهامات وارده به هیچ یک از بازداشت شدگان ارائه دهند، ۵ تن از آنان را به ۶ سال زندان و مجازتهای های دیگر محکوم کردند.

رسول بداقی، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی سه تن از رهبران شورای همانگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران و رضا شهابی و حسن سعیدی هر یک در بیدادگاه های رژیم به ۶ سال زندان محکوم شدند. محکومیت آنها نه بر پایه اتهاماتی که هنگام بازداشت به آنها زده بودند، بلکه به اتهامات دیگری که معلوم نشد از کجا آورده بودند انجام گرفت. اتهاماتی مانند، اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام... گفتنی است که پنج فعال محکوم شده پیشتر نیز با اتهامات مشابه سالهای زیادی را در زندان گذرانده بودند. اما علت واقعی دستگیری و محکوم کردن آنان به زندان های طولانی فعالیت های صنفی و سندیکایی و دفاع از حقوق معلمان و کارگران و اعضای تشکلهایی بود که رهبری آن را به عهده داشتند. تعداد دیگری از اعضا و رهبران سندیکایی نیز هستند که برایشان پرونده تشکیل داده و هنوز نوبت محاکمه شان نرسیده است. بعضی از آنها در زندان منتظر محاکمه هستند و تعدادی نیز فعلا تا زمان محاکمه شان با سپردن وثیقه آزاد هستند.



رژیم با این تصور که با به زندان انداختن رهبران موثر سندیکایی می تواند مطالبات کارگران و معلمان را برای همیشه بی جواب بگذارد سالهاست که از فعالیت تشکلهای سندیکایی جلوگیری می کند. اما اقدامات سرکوبگرانه نه موجب از بین رفتن خواستههای معلمان و کارگران شده است و نه توانسته رهبران تشکلهای را از ادامه فعالیت های شان باز دارد. بلکه تا وقتی مطالبات جواب نگرفته وجود دارد اعتراض و اعتصاب و فعالیت و مبارزه هم تداوم پیدا می کند و افراد تازه ای پیدا می شوند که جا پای رهبران زندانی شده می گزارند و راه آنها را دنبال خواهند کرد.

در نهایت هم پیروز این میدان کسانی هستند که روی خواستهها و حقوق شان پایبند باقی می مانند و برای آن مبارزه می کنند. آن عامل مهمی که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران را از یک تشکل کوچک به یک تشکل فراگیر و سراسری تبدیل و استوار کرد همین مقاومت و مبارزه برای احقاق حق است که با وجود زندانی کردن اکثر رهبران اش و وجود انواع فشارها پرچم حق طلبی معلمان را بر افراشته نگاه داشته.

در مورد سندیکای واحد نیز قضیه به همین صورت است. سندیکای واحد و رهبران هوشمند و مبارز آن سالهاست که به نماد مبارزه جنبش سندیکایی در ایران تبدیل شده اند و همه نهادهای سندیکایی معتبر و مردمی در دنیا از آنان حمایت برادرانه و انترناسیونالیستی می کنند. رژیم با بستن اتهام جاسوسی می خواست ماهیت این همبستگی را مخدوش کند اما مقاومت هوشیارانه رهبران سندیکا این نقشه رژیم ضد کارگری را نقش بر آب کرد.

داشتن رابطه بین سندیکاها و اتحادیه های کارگری در همه جای جهان به غیر از کشورهای دیکتاتوری و فاشیستی یک حق شناخته شده و قانونی و آزاد است که کسی را بخاطر آن نه تحت پیگرد قرار می دهند و نه متهم به جاسوسی می کنند. هیچ یک از این ۵ رهبر به اسناد سری و طبقه بندی دولتی دسترسی نداشته اند که بتوانند آن را در اختیار دیگران قرار دهند. حکومت اگر دنبال جاسوس می گردد باید برود یقیه طائب و امثالهم در اطلاعات سپاه را بگیرد. اتهامات وارده به این افراد جعلی و پیگرد و زندانی کردن شان بر پایه اتهامات جعلی غیر قانونی است. داشتن سندیکا و فعالیت سندیکایی بخش مهمی از حقوق کارگر است که در هر رژیمی بایستی به رسمیت شناخته شود و سندیکاها باید بتوانند به دور از دخالت دولتها و کارفرمایان فعالیت و با سندیکاها در هر کشوری که باشد مراوده داشته باشند و از تجربه و کمک برای بهبود و کیفیت حقوق اعضای شان بهره بگیرند.

آزادی فوری و بدون قید و شرط همه معلمان و کارگران و کلیه زندانیان سیاسی باید در دستور کار جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی قرار بگیرد و فشار به رژیم آن قدر افزایش پیدا کند که مقاومت رژیم را درهم بشکند و مجبور شود زندانیان سیاسی را آزاد کند.

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم!



شروط لازم برای افزایش دستمزد کدامند؟

صادق



راه افزایش دستمزد، احیای امنیت شغلی و بقیه حقوق از بین برده شده کارگران توسط حکومت مورد حمایت تشکلهای حکومتی، اعتصاب و سازمانیابی مستقلانه است. اما چون حکومت از تشکیل تشکلهای واقعی و مستقل جلوگیری و هر تلاشی را که در این خصوص انجام می گیرد به شدت سرکوب می کند و اعتصابات متعدد صنفی هم نتوانسته تغییر ملموسی در بهبود شرایط کاری و معیشتی کارگران بوجود آورده و روند بی حقوق سازی نیروی کار را متوقف نماید یگانه راه باقی مانده برای زحمتکشان انجام اعتصابات سیاسی و صنفی و حرکت به سوی برپایی اعتصاب عمومی سراسری است.

یکی از اعضای تشکلهای حکومتی مامور در شورای عالی کار در واکنشی نسبت به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان دولت و نظامیان خواستار تشکیل جلسه شورای عالی کار برای بررسی افزایش دستمزد کارگران شده است.

علی خدایی در پاسخ به سوال خبرگزاری ایلنا که انتظار او از "صورت مرتضوی" وزیر جدید کار را جویا شده بود، سه خواسته اولویت دار خود را، تشکیل جلسات شورای عالی کار برای بررسی افزایش دستمزد، تامین امنیت شغلی کارگران و پرداخت ۶۵۰ هزار تومان حق مسکن کارگران عنوان کرد.

دو مورد از این اولویتها خواسته‌ای هستند که سالهاست علی خدایی و دارودسته خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی وعده گرفتن آنها از دولت را به کرات به کارگران داده‌اند اما هیچ کدام شان حتی در زمان صدارت علی ربیعی رهبر و از بنیان گذاران خانه کارگر و شوراهای اسلامی عملی نشده‌اند.



آقای خدایی همان کسی که سالهاست در شورای عالی کار به عنوان نماینده "کارگر" جا خوش کرده نیز نخواست و یا نتوانسته قدمی در جهت اجرای توقعاتی که از وزیر کار دست راستی تازه مطرح کرده بردارد. او خودش هم بهتر می داند که هیچکاه تر از آن است که کسی برای حرفهایش تره خورد کند ولی برای خالی نبودن عریضه بقول معروف (سنگ مفت گنجشک مفت) یک حرفهایی زده است.

خود آقای خدایی در آخرین سالگرد انقلاب در سر قبر خمینی و در واکنش به اعتصابات همه روزه کارگران برای افزایش دستمزد و مطالبات دیگر گفته بود ما برای شکم انقلاب نکردیم و سیگنال داده بود که اعضای "دیگر شورای عالی کار خیالشان از بابت او در شورای عالی کار راحت باشد!" نقل به معنی

وزیر جدید کار یک دست راستی موتلفه مسلک است که قبل از گرفتن رای وزارت از مجلس فرمایشی، مسئولیتهای متعددی در سازمان زندانها و نهادهای امنیتی و بنیادهای مختلف داشته است. مجلس در شرایطی برای وزارت به مرتضوی رای داد که می دانست ۵ سال محکومیت انفصال خدمت از کار در دستگاه های دولتی را داشته است. بنا بر این انتظار نماینده شوراها اسلامی از وزیری با چنین سابقه و مشخصاتی بیمورد است. همانطور که خود آقای خدایی هم اذعان می کند، آن مبلغ ۵۷.۴ افزایش حقوق که ماه ها بعد از تصویب بسیاری از کارفرمایان و خود دولت از اجرای آن طفره می رفتند و می روند در همان دو سه ماه اول سال در اثر بالا رفتن تورم و قیمت ها اثر خودش را از دست داده است. خط فقر که در آغاز سال حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون برآورد شده بود امروز به ۱۸ تا ۲۰ میلیون در کلان شهرها افزایش پیدا کرده و تردیدی نیست که دستمزدها بایستی متناسب با آن افزایش پیدا کند. اما راه افزایش دستمزدها آن نیست که علی خدایی ۲۰ سال است به دنبال آن است ولی به نتیجه نرسیده است. وقتی که یک راه و روش به نتیجه نمی رسد، تکرار آن یا از روی حماقت است و یا غرض. در مورد آقای خدایی دومی واقعی تر به نظر می رسد.

شورای عالی کار که خدایی از تعطیل شدن اش گلایه می کند، آنوقت هم که تعطیل نشده بود کاری جز ضرر برای کارگران نکرد. در طی همه سالهای گذشته یک مصوبه را نمی توان نشان داد که این شورا برای بهبود حقوق کارگر تصویب کرده باشد. در همه این مدت علی خدایی و دو نفر دیگر از دوستان او در شورای عالی کار به عنوان نماینده کارگر حضور داشته و از نعمات آن برخوردار شده ولی حتی نتوانسته اند، مانع تصویب مصوبات ضد کارگری دولت شوند، تا چه برسد به اینکه بتوانند مصوبه ای به سود کارگر در شورای عالی را از تصویب بگذرانند!

در مورد امنیت شغلی نیز سال به سال وضع بدتر شده است و این مدعیان نمایندگی تاثیرشان از حد صفر فراتر نرفته است.

راه افزایش دستمزد، احیای امنیت شغلی و بقیه حقوق از بین برده شده کارگران توسط حکومت مورد حمایت تشکلهای حکومتی، اعتصاب و سازمانیابی مستقلانه است. اما چون حکومت از تشکیل تشکلهای واقعی و مستقل جلوگیری و هر تلاشی را که در این خصوص انجام می گیرد به شدت سرکوب می کند و اعتصابات متعدد صنفی هم نتوانسته تغییر ملموسی در بهبود شرایط کاری و معیشتی کارگران بوجود آورده و روند بی حقوق سازی نیروی کار را متوقف نماید یگانه راه باقی مانده برای زحمتکشان انجام اعتصابات سیاسی و صنفی و حرکت به سوی برپایی اعتصاب عمومی سراسری است. با وجود این رژیم هیچ چیز بهبودی از هیچ لحاظ در زندگی کارگران و مزدبگیران رخ نخواهد داد. اگر دولت و مجلس که آن همه با افزایش بیش از ۱۰ درصد به حقوق کارکنان دولت مخالفت می کردند و حاضر به افزایش بیش از ۱۰ درصد نبودند، یک باره داوطلبانه حاضر به افزایش ۲۰ درصد دیگر به حقوق کارکنان دولت شدند، از معجزات جنبش زن، زندگی، آزادی است ولاغیر. طبقه کارگر و مزد و حقوق بگیر هم راه مناسبتر و موثرتری برای خلاصی از وضعیت شبه برده دارنه تحمیلی از سوی حکومت و حامیان حکومت الی پیوستن به جنبش انقلابی جاری ندارند.

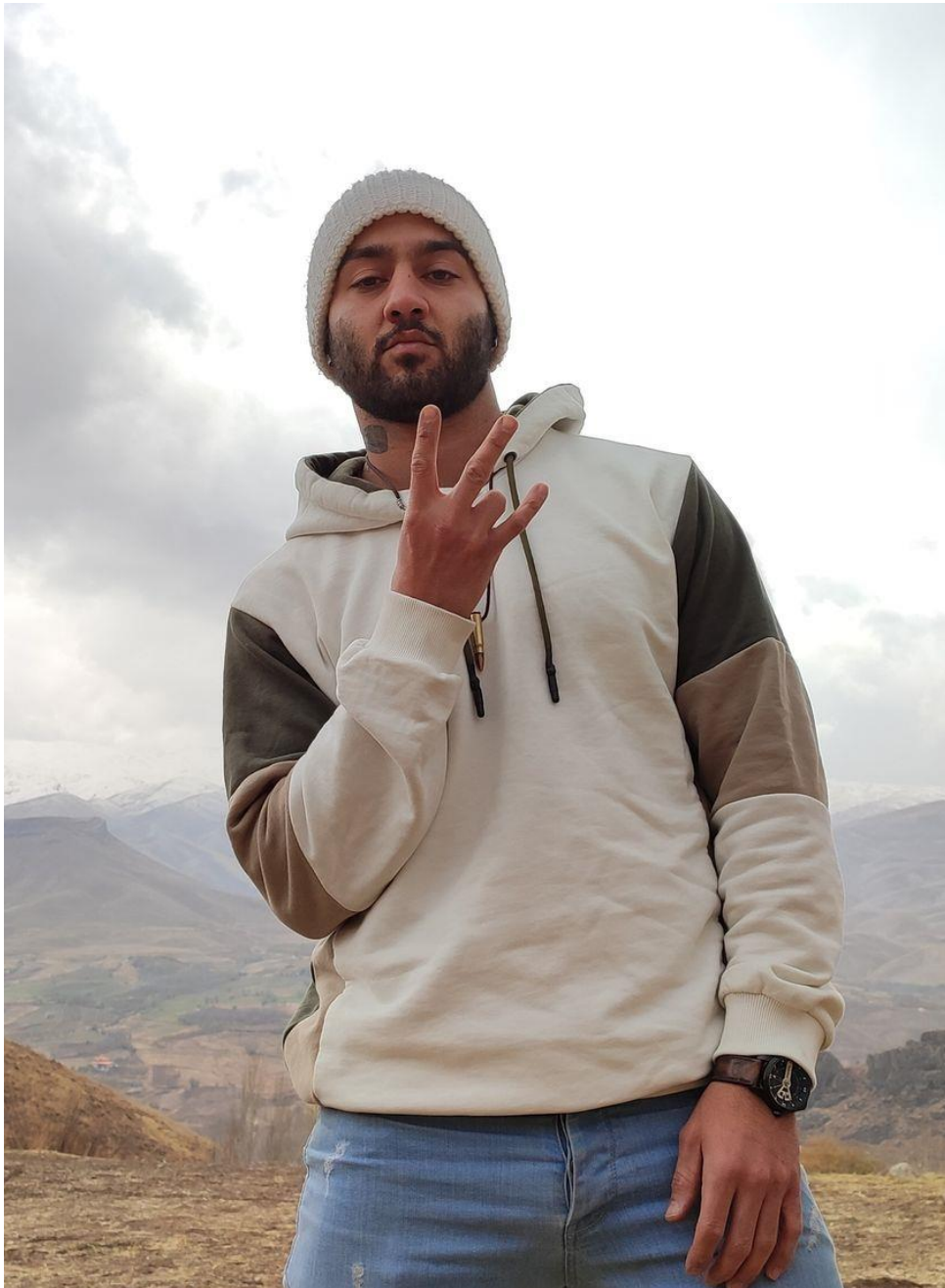


علی‌خدایی و شرکا اما تلاش می‌کنند با دادن امید و وعده‌های کاذب مانع بر سر راه کارگران برای پیوستن به جنبش انقلابی ایجاد کنند. وظیفه تعیین شده حکومت برای آنها نیز همین است. کما اینکه چند هفته پیش نیز در جلسه‌ای که توسط سرکردگان خانه کارگر به ریاست حسن صادقی تشکیل شد، آنها دشمنی شان با جنبش انقلابی و نگرانی شان از پیوستن کارگران به جنبش و حمایت شان از سرکوب کارگرانی که در عسلویه و آبادان به جنبش پیوسته بودند را آشکار کردند.

اعتراضات متنوع در شرکت‌های نفتی از خوردن غذا تا دادن اخطار و اولتیماتوم به رغم جو پلیسی گزارش شماره دو از فضای اعتراضی در میان همکاران رسمی وزارت نفت روز پانزدهم آبان ماه گزارشی از روند شکل‌گیری اعتراضات کارکنان رسمی وزارت نفت در مناطق مختلف عملیاتی را منتشر کردیم. در این گزارش به آغاز اقدامات اعتراضی با اعتصاب در دریافت سهمیه غذا اشاره شد که همکاران رسمی اعلام کرده بودند این حرکت نمادین اعتراضی را از روز شانزدهم آبان کلید خواهند زد.



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به دستگیری "توماج صالحی" و حمایت از هنرمندان و ورزشکاران و خبرنگارانی که در سمت مردم به‌جان آمده ایستادند



فرید کوراوند و محمد ململی گلزاری دو همکار ما همچنان در بازداشت بسر میبرند همانطور که مطلع هستید در جریان اعتراضات همکاران پروژه ای در همبستگی با اعتراضات مردمی طی روزهای هجده و نوزدهم مهر در سایت یک بوشهر، کنگان و فاز ۲ پالایشگاه آبادان بیش از ۲۵۰ نفر از همکاران ما بازداشت شدند در این مدت زیر فشار فضای اعتراضی در نفت و اولتیماتوم های همکاران بسیاری از آنها البته با قید وثیقه و یا کفالت و حتی پرداخت جریمه نقدی آزاد شده اند



طبق گزارشاتی که به شورای سازماندهی رسیده است؛ اکنون دو نفر دیگر از همکاران به اسامی فرید کوراوند شاغل در سایت یک و محمد ململی گلزاری شاغل در فاز دو پالایشگاه آبادان هنوز در بازداشت بسر میبرند.



فرید کوراوند



محمد ململی گلزاری

آمار جدید قیمت کالاهای اساسی: روغن مایع ۳۷۷ درصد و برنج ۲۰۷ درصد نسبت به سال گذشته گران شده / قیمت ۲۹ کالا بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته / ۲۸ کالا بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد و ۳۰ کالا زیر ۵۰ درصد گران شده
جدیدترین آمار منتشر شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) نشان می‌دهد که در تیر امسال قیمت ۲۹ کالا، از جمله انواع روغن و برنج بیش از ۱۰۰ درصد، ۲۸ کالا بین ۵۰ تا ۱۰۰



اعتصاب کارگران پیمانی در پایانه های نفتی خارک
شروع اعتصاب ۱۰ مهر

علت اعتصاب بدی شرایطی شغلی، بهداشتی و تبعیضات مزدی و شغلی بین رسمی ها و غیر رسمی ها



اعتصاب کارگران کارخانه کمباین سازی در تبریز
شروع اعتصاب ۱۰ مهر

علت اعتراض به تغییر قراردادهای کاری از رسمی به موقت و خواسته های صنفی

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>